■ خبر کوتاه

از برنامه‌های اقتصادی محمود احمدی‌نژاد حمایت می‌کنیم

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران با تبریک انتخاب محمود احمدی‌نژاد به ریاست‌جمهوری ایران و قدردانی از ملت ایران به خاطر حضور پرشور، حمایت خود را با ابراز خرسندی از برنامه‌های اقتصادی ریاست‌جمهوری منتخب اعلام کرد. اتاق بازرگانی و صنایع و معادن در این بیانیه حمایت خود را در راستای سیاست‌هایی چون برقراری دولت کار، حرکت در مسیر برنامه چشم‌انداز بیست ساله، اجرای سیاست‌های اصلاحی اصل ۴۴، لغو انحصارات دولتی و خصوصی سازی، کوچک سازی اندام فربه دولت و تمرکززدایی امور دولتی در تهران اعلام کرد. تجدیدنظر در سیاست‌های پولی - مالی و کاهش نرخ بهره، ایجاد صندوق ذخیره ریالی برای کمک به واحدهای تولیدی، تجدیدنظر در اداره امور بانک‌ها به منظور بهبود کارایی و کاهش هزینه تولید پول از جمله این اهداف عنوان شد. اتاق بازرگانی در ادامه حمایت خود را با ابراز خرسندی از برنامه اقتصادی به شرح زیر اعلام کرد:

- فقرزدایی از طریق اجرای طرح مالکیت فراگیر با بهره‌گیری از بورس اوراق بهادار.
- تقویت فعالیت بورس اوراق بهادار به منظور سوق دادن سرمایه‌های سرگردان و خرد در مسیر تولید.
- ایجاد فرصت‌های شغلی جدید از طریق تقویت و گسترش سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و متوسط توسط بخش خصوصی و مردمی.
- بازسازی روستاها و کمک به توسعه صنایع روستایی.
- حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی با هدف بومی سازی اقتصاد و جذب سرمایه‌های خارجی و ... بخش خصوصی با حمایت از سیاست‌های فوق، آمادگی کامل خود را برای همکاری هرچه بیشتر با دولت ایشان اعلام کرد که سبب هرچه بارورتر شدن بخش خصوصی و مردمی کشور خواهد شد.

مصوبه بودجه گازرسانی روستایی دارای اشکال است

فارس: مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران گفت: الزام شرکت گاز بر دریافت وام‌های بدون بهره و نحوه جذب منابع فاینانس بر مشکلات این شرکت در توسعه بخش گازرسانی روستایی افزوده است. محمد ملاکی با بیان این که مجلس شورای اسلامی باید مصوبه تخصیص اعتبارات گازرسانی روستایی را سریع‌تر اصلاح کند، افزود: تاکنون رفع این اشکالات تنها از سوی کمیسیون تلفیق صورت گرفته و هنوز بررسی موضوع این بند به صحن علنی مجلس نرفته است. ملاکی از ایرادات مصوبه مجلس پاسخی نداد و گفت: این موارد با بررسی‌های بیشتر حل خواهد شد. وی تصریح کرد: شرکت گاز، لیست نهایی قیمتی و نیز تعداد پروژه‌های گازرسانی را به شورای اقتصاد ارائه خواهد کرد تا بتواند طی برنامه چهارم توسعه کشور ۹ هزار روستا را به شبکه گازرسانی کشور متصل کند. مدیر گازرسانی شرکت ملی گاز نیز در این باره گفت: مجلس شرکت گاز را به اجرای طرح گازرسانی ۹ هزار وستا طی سال ۱۳۸۴ مکلف کرده است. به گزارش خبرگزاری فارس این در حالی است که مدیرعامل شرکت ملی گاز دوره اجرای این تکلیف را تا پایان دوره برنامه چهارم توسعه می‌داند و می‌گوید این برنامه یک ساله نیست. پیش از این نیز مدیر گازرسانی شرکت گاز گفته بود این شرکت سالانه قادر است ۱۵۰۰ روستا را به شبکه گازرسانی کشور متصل کند. عراقی گفته بود: بودجه پیش‌بینی شده شرکت گاز در سال جاری ۱/۹ میلیارد دلار بوده که با توجه به حذف کمک ۳۰ میلیارد تومانی دولت که سال‌های پیش ارائه می‌شد، سهم توسعه گازرسانی روستایی دچار کندی نسبی خواهد شد. در بودجه سال جاری ۱۲۰ میلیارد تومان در بخش ایجاد شبکه و توسعه گازرسانی به مناطق روستایی اختصاص داده شده است. مدیر گازرسانی شرکت گاز نیز نسبت به یک بند از تبصره ۱۱ لایحه بودجه ۸۴ کشور ایراد اساسی وارد کرد. به گفته وی در این بند شرکت گاز بر عدم دریافت هزینه خودیاری گازرسانی روستاها ملزم شده است. در حالی که پس از اتمام این جمله نحوه بازپرداخت حق انشعاب و هزینه خودیاری از مشترکین عنوان شده که دچار تضاد آشکار است.

رنو پارس ۷۰۰ میلیون یورو در ایران سرمایه‌گذاری می‌کند

ایسنا: شرکت رنو پارس در حال بررسی سرمایه‌گذاری دوم خود در ایران به میزان ۷۰۰ میلیون یورو است. شرکت رنو پارس که در گام اول در حال سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیون یورو در ایران است، قصد دارد در فاز دوم نیز ۷۰۰ میلیون یورو در ایران سرمایه‌گذاری کند که ۵۱ درصد این سرمایه‌گذاری به صورت پول نقد و از رنو فرانسه تامین خواهد شد. رنوپارس قصد دارد در صورت مساعد بودن اوضاع سیاسی و همچنین وضعیت بازار و آینده اقتصاد ایران در مجموع یک میلیارد یورو را در دو فاز در ایران سرمایه‌گذاری کند و در فاز دوم نیز به طور مستقیم کارخانه‌ای را برای تولید محصولات خود در ایران تاسیس کند. به گزارش ایسنا شرکت خودروسازی ایرانی فرانسوی «رنو پارس» که مسئولیت ساخت خودروهای رنو بر روی پلت فورم X90 را دارد در مرداد سال ۸۳ تاسیس شد. شرکت رنو - پارس کلیه مسئولیت‌های عملیاتی یک شرکت خودروسازی شامل مهندسی، تضمین کیفیت تامین قطعات، لجستیک، هماهنگی سیاست‌های بازاریابی، فروش و خدمات پس از فروش را به عهده خواهد داشت. آورده رنو ۵۱ درصد از ۳۰۰ میلیون یورو فاز اول است و از سود و درآمد آن نیز ۵۱ درصد به رنو نیسان می‌رسد.

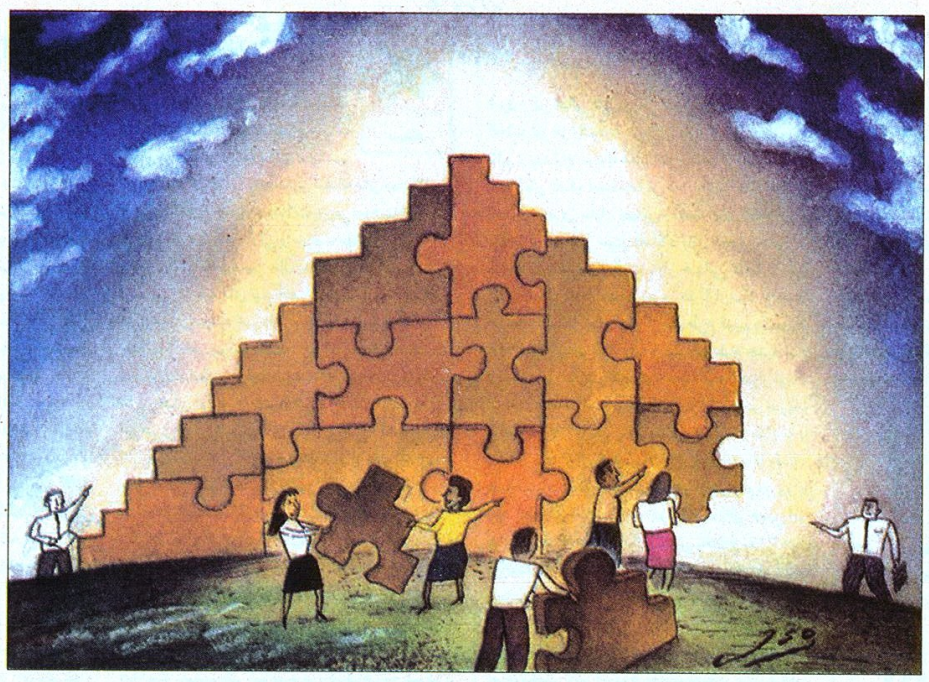

انتخاب نهم و رویکرد مناسب توسعه

رویکرد قابلیت محور توسعه

وحید محمودی*

۱- کشور ایران پنج برنامه توسعه قبل از انقلاب و سه برنامه پس از انقلاب را به اجرا گذاشته است. در این برنامه‌ها طیف گسترده‌ای از اهداف کیفی و متناسب با آنها استراتژی‌ها، سیاست‌ها و اقدامات اجرایی خاص تدوین شده‌اند. اما شرایط امروز کشور نشان می‌دهد که به‌رغم این همه تلاش و سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی و به‌رغم کسب توفیقات نسبی در برخی از زمینه‌ها هنوز نمی‌توانیم خود را کشوری توسعه‌یافته بدانیم و مجموعه‌ای از نارسایی‌ها، نقصان‌ها و مشکلات کماکان گریبانگیر جامعه و اقتصاد ایران است.

- جایگاه ضعیف در اقتصاد جهانی
- وابستگی شدید به درآمدهای نفتی
- نرخ بیکاری بالا
- نرخ تورم ۲ رقمی
- عقب‌افتادگی‌های تکنولوژیک
- فقر و نابرابری
- ناکارآمدی نهادهای اقتصادی و اجتماعی
- فساد اداری و رانت‌خواری
- رشد ناپایدار و بعضاً اندک اقتصادی

و بسیاری مشکلات اصلی و فرعی دیگر از جمله نارسایی‌ها است. این در حالی است که رشد اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی و نیز کسب جایگاه بهتر در اقتصاد جهانی از اهداف اصلی این برنامه‌ها بوده است. طی این دوران‌ها گاه تاکیدات بر رشد اقتصادی و نیز جایگاه بهتر در اقتصاد جهانی از اهداف اصلی این برنامه‌ها بوده است. طی این دوران‌ها گاه تاکیدات بر رشد اقتصادی صرف و تقدم آن بر عدالت توزیعی و گاه تقدم توجه به توزیع مجدد درآمدها بوده است. علاوه بر بحث تقدم و تاخر رشد و توزیع نسبت به هم و چالش‌های فراوان میان نخبگان جامعه در خصوص آن، در سال‌های اخیر مسئله توسعه سیاسی و بحث‌های دامنه‌دار در مورد تقدم آن نسبت به توسعه اقتصادی و یا برعکس به این کشمکش‌ها اضافه شده است. اما راز سر به مهر توفیقات اندک از پس سال‌ها تلاش را می‌بایست در این حقیقت سترگ جست‌وجو کرد که رشد اقتصادی، عدالت توزیعی و توسعه سیاسی همه از اهداف عالیه توسعه‌اند که می‌بایست در خدمت هدف غایی آن یعنی «انسان» قرار بگیرند. وجه مشترک دیدگاه‌های رقیب در صحنه جامعه ایران آن است که همه به‌دنبال «توسعه اقتصادی»اند و کمابیش تعریف یکسانی از توسعه دارند و وجه افتراق آنها در راه رسیدن به این هدف و تاکید بر آن وجهی است که به‌زعم ایشان با اولویت دادن به آن توسعه اقتصادی متحقق می‌شود. رشدگرایان با تاکید بر اهمیت و اولویت رشد اقتصادی بر سرمایه‌گذاری و تولید صحه گذاشته‌اند و برای تحقق آن کوچک‌سازی دولت، خصوصی سازی و آزادسازی را جهت کارکرد آزاد نیروهای بازار و ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد تجویز کرده‌اند و تحقق عدالت توزیعی را به فرآیندی که پیامد محتوم رشد اقتصادی خواهد بود، وعده می‌دهند و به این نکته کمتر توجه شده است که قبل از آنکه رقابت آزاد عاملان اقتصادی در بازار بخواهد آثار میمون خود را بر جای بگذارد توازن آنها می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. نظام بازار و گسترش فضای رقابت در جامعه‌ای که نابرابری‌ها بیداد می‌کند تنها منجر به بسط بی‌عدالتی و افزایش فاصله‌ها خواهد شد. در مقابل آنها جبهه حمایت‌گرایان با شعار عدالت اجتماعی قرار دارند که برآنند با توجه اولیه به بهبود فقر و نابرابری از طریق گسترش حمایت‌ها و سیاست‌های تثبیت قیمتی به این مهم دست یابند و به روشنی توضیح نمی‌دهند که اساساً عدالت چیست؟ و چه هنگام عدالت واقعی اجرا شده است؟ و با دخالت حداکثری در اقتصاد چشم خود را به مزایای بی‌بدیل نظام بازار و آفات ناشی از اختلالات قیمتی و گسترش رانت‌های ناشی از آن می‌بندند. و نهایتاً حامیان توسعه سیاسی، تاکیدات قدرتمند خود را بر حقوق و آزادی‌های سیاسی و رشد نهادهای مدنی می‌نهند به‌نحوی که اهمیت رشد درآمدها و توزیع مجدد در دیدگاه آنان رنگ خود را از دست می‌دهند و با تقلیل معنای آزادی به آزادی سیاسی از این نکته مهم غفلت ورزیده‌اند که ناآزادی‌های متعددی غیر از ناآزادی سیاسی، انسان‌ها را احاطه کرده است. جامعه و اقتصاد ایران فراز و نشیب‌های زیادی را تحت تاثیر دیدگاه‌های فوق که بسته به قدرت سیاسی‌شان اعمال کرده‌اند، تجربه کرده است. اما انتظارات متعدد و اهداف چندگانه توسعه تحقق نیافته‌اند. حقیقت آن است که اهداف مورد نظر گروه‌های رقیب همه از اجزای توسعه‌اند نه فقط ابزار توسعه! عدالت اجتماعی و آزادی‌های سیاسی در کنار رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه جزیی از تعاریف نوین توسعه در ادبیات اقتصادی توسعه‌اند. جدا کردن اجزای یک موضوع واحد و تقدم و تاخر قائل شدن برای آن کاری ناصواب است. در یک نگاه اجمالی می‌توان بر این نکته صحه گذاشت که برنامه‌های اجرا شده در ایران فاقد یک رویکرد محوری به توسعه بوده‌اند. یک رویکرد محوری توسعه دارای این ویژگی است که با تاکید بر موضوع یا موضوعاتی خاص، طیف وسیعی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. اساساً ماهیت یک رویکرد محوری باید اینگونه باشد. نباید فراموش کرد که مشکلات متعدد ریشه‌ای واحد دارند و گاهی با انگشت نهادن بر عاملی خاص می‌توان طیف وسیعی از آنها را از سر راه برداشت. آیا زمان آن نرسیده است که رویکردی محوری با قابلیت پیوند رشدگرایی و حمایت‌گرایی همراه با تاکید بر آزادی‌های سیاسی که در آن رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی تواماً و به‌طور سیستماتیک تحقق باید در دستور کار قرار گیرد؟ و تعریفی و تبیینی از توسعه که قابلیت پوشش اهداف چندگانه توسعه را داشته باشد در قالب یک رویکرد محوری به توسعه در صدر برنامه‌های توسعه قرار گیرد.

۲- دانش اقتصاد، دانش چگونه ثروتمندشدن براساس کشف رفتار عاملان اقتصادی برای بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها است. از این‌رو موضوع علم اقتصاد با موضوع توجه به انسان عجین است. اقتصاد توسعه نیز با تکیه بر یافته‌های علم اقتصاد در پی یافتن راهکارهایی برای نیل به توسعه اقتصادی راه درازی را پیموده است و در این راه تاکنون نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی به توسعه ارائه شده‌اند اما متأسفانه تا حد زیادی ماهیت انسانی خود را با غفلت از نقش انسان هم به‌عنوان هدف و هم به‌عنوان ابزار توسعه از دست داده است. فراموشی بزرگ آن است که اقتصاد توسعه با مشغول‌شدن به درآمد ملی و درآمد سرانه و سنجش حساب‌های ملی در ارزیابی‌های توسعه از خود زندگی انسان غافل شده است. اقتصاددانان توسعه امروز می‌دانند که تاکید صرف بر پس‌انداز، تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری برای تحقق رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه لااقل به دو دلیل ناکافی است: اول آنکه: سرمایه تنها به سرمایه فیزیکی محدود نمی‌شود. لااقل چهارگونه سرمایه در ادبیات نوین توسعه اعم از سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی شناخته شده است که لازمه رشد و توسعه هستند. اندکی تفکر در باب این ابزارهای توسعه نشان می‌دهد که به جز نوع اول هر سه نوع سرمایه بعدی ربط وثیق با انسان و روابط انسانی دارد و منشاء تولید آنها انسان است و نوع اول یعنی استفاده از سرمایه طبیعی نیز به دانش و توانایی‌های انسانی بستگی زیاد دارد. علاوه بر این استفاده کارآمد و بهره‌ور از این منابع ارتباط وسیعی با توانایی‌های انسانی دارد. دوم آنکه: حتی در صورت تحقق رشد درآمد سرانه باید دانست که این تنها یک وسیله برای توسعه است نه هدف آن و رفاه جامعه بیش از آنکه به میزان درآمد بستگی داشته باشد به چگونگی توزیع و نحوه استفاده از آن وابسته است. به‌گونه‌ای که بتواند منشاء اثر برای تحقق برخورداری انسان‌ها از زندگی طولانی و سالم و خلاق در محیط زیست و در یک فضای آزاد و دموکراتیک باشد. بنابراین این حقیقت که هدف توسعه باید انسان باشد و هم انسان قویترین ابزار تحقق توسعه است، چیزی است که در ادبیات نوین توسعه اقتصادی وارد شده است. و نظریات جدیدتر توسعه ناگزیر از پاسخ به این پرسش‌های مهم است که:

- رشد چگونه اتفاق می‌افتد؟
- عواید حاصل از آن چگونه توزیع می‌شود؟
- این عواید چگونه زندگی انسان را متحول می‌کند؟

تأکید بر نقش محوری انسان به‌عنوان فاعل توسعه و مشارکت فعال اقتصادی، اجتماعی و سیاسی او فصل مشترک نظریات جدید توسعه است. مطابق با این دیدگاه‌ها تأکید بر توسعه انسانی و رشد قابلیت انسان در فضای عادلانه و آزاد هدف اصلی توسعه است.

۳- «راه» از «هدف» جدا نیست. فرآیند رسیدن به توسعه به اندازه خود توسعه مهم است. ما نمی‌توانیم برای رسیدن به عدالت، ابتدا آن را فراموش کنیم یا برای دوره‌ای نادیده بگیریم. رویکرد انسانی به توسعه ما را ملزم می‌کند که فرآیندی را انتخاب کنیم که در آن حرمت و کرامت انسانی حفظ شود و هر آنچه که عزت، حرمت و کرامت انسانی را مخدوش می‌کند اعم از فقر، بیسوادی، عدم بهداشت، محرومیت از مشارکت‌های اقتصادی و اجتماعی، ضایع شدن حقوق اجتماعی و محرومیت از حق تعیین سرنوشت همه و همه شکستن حرمت و عزت انسانی است. رویکردی از توسعه که در آن راه و هدف بر هم منطبق نباشد به سرنوشت محتومی منجر می‌شود که در آن عملاً هدف وسیله را توجیه خواهد کرد؛ اگر هدف نهایی و غایی انسان است، در طول مسیر نیز توجه محوری به آن ضروری است. بنابراین رویکردی رشدگرایانه که عدالت اجتماعی در آن بر فرآیندهای خودکار حواله می‌شود بنا به ملاحظات تجربی و نظری محل تردیدهای فراوان است.

۴- رویکرد قابلیت انسانی که تکیه‌گاه اصلی آن رشد و ایجاد قابلیت‌های انسانی است رویکردی است که می‌تواند با پیوند بین رشدگرایی و توزیع مجدد، اهداف چندگانه توسعه را در یک فرآیندی دوستانه و انسانی مبنی بر برخورداری از زندگی دلخواه و آزاد محقق سازد. این رویکرد از همان آغاز یعنی تفاوت‌های متعدد ریشه‌ای واحد دارند و گاهی با روشنی را از حیث راه رسیدن به آن اهداف ترسیم می‌کند. محرومیت در این رویکرد به معنی محرومیت از درآمد نیست. بلکه هر آنچه امکان عمل و انتخاب انسان را تهدید می‌کند به نوعی محرومیت محسوب می‌شود، و صد البته فقدان درآمد نیز نوعی محرومیت است. مطابق با این دیدگاه، محرومیت از مشارکت سیاسی و فقدان آزادی سیاسی نیز نوعی محرومیت تلقی می‌شود و عدم دسترسی به فرصت‌های اجتماعی و امکانات اقتصادی و حتی هر آنچه که حیات انسان را از قبیل بالایای طبیعی و امثال آن، تهدید می‌کند نوعی محرومیت است. بدین معنا هر جا که انسان محروم از انتخاب یا ناتوان از گریز از تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی است، آزادی او تهدید شده است و در واقع محرومیت‌ها معادل ناآزادی‌ها است. از سوی دیگر، رشد قابلیت‌های انسانی به معنی گسترش دامنه انتخاب انسان و فائق آمدن بر محرومیت‌ها و تهدیدهاست و بدین معنا قابلیت‌های انسانی معادل آزادی‌های انسانی است. اما قابلیت‌های انسانی زمانی رشد و تحقق می‌یابد که انسان از قابلیت‌های پایه نظیر درآمد، سواد و آموزش، بهداشت و سلامتی و مانند آن برخوردار باشد و در عین حال بسترهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نظیر امکان دسترسی به امکانات و فرصت‌های اقتصادی، برخورداری از فرصت‌های برابر اقتصادی و اجتماعی، آزادی مبادله در بازار و نیز امکان مشارکت سیاسی و حق تعیین سرنوشت و ابراز وجود نیز فراهم باشد. رویکرد قابلیت انسانی از طریق رشد سرمایه‌گذاری در توسعه انسانی و رشد بهره‌وری انسان‌ها و نتیجتاً رشد بهره‌وری سرمایه و ایجاد انگیزه کافی برای مشارکت، رشد اقتصادی را که به ابزار انسان و سرمایه وابسته است محقق می‌سازد و به‌واسطه وجود قابلیت‌های فردی همگان در فرآیند رشد شریک هستند و تبعاً از عواید آن نیز به نحو عادلانه‌ای بهره‌مند خواهند شد. رشد قابلیت‌ها در حوزه عدالت اجتماعی این امکان را برای انسان‌ها فراهم می‌کند که به حقوق خود در جهت بهره‌مندی از عواید رشد دست یابند. این رویکرد بر هدف متعالی عدالت اجتماعی که در رویکرد حمایت‌گرا مبتنی بر رساندن «حق به فرد» و در رویکرد رشدگرا مبتنی بر «رسیدن حق به فرد» است، از طریق رسیدن «فرد به حق» و افزایش توانمندی‌های او برای چیدن میوه‌های درخت توسعه به‌جای پائین آوردن شاخه‌های درخت، تاکید می‌کند. عدم تحقق قابلیت‌های انسانی، دستاورد رویکردهای رشدگرا و حمایت‌گرا را همواره تهدید خواهد کرد و پایداری آن دستاوردها نیز هنگامی است که قابلیت‌های انسانی رشد یافته باشد. بنابراین به‌طور مجمل رویکرد قابلیت انسانی بر آن است که اگر عواملی که حیات اقتصادی و اجتماعی انسان‌ها را تهدید می‌کند از قبیل فقر، نابرابری، بیسوادی، بهداشت اندک، فرصت‌های اندک اجتماعی و اقتصادی و حتی بلایای طبیعی از بین برود، رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی پایدار نیز محقق خواهد شد. وسعت دامنه اثرگذاری این دیدگاه بر کلیه شئونات زندگی اقتصادی و اجتماعی و به‌طور کلی حیات بشری است که اساساً به آن هویت یک رویکرد توسعه می‌بخشد. بنابراین رویکرد قابلیت انسانی، انسان را محور حرکت رشد و توسعه اقتصادی می‌داند و برای تحقق این رشد و تقسیم عادلانه عواید آن در راه اعتلای انسان «برابری فرصت‌ها» را سرلوحه عمل خویش قرار می‌دهد. به‌زعم این دیدگاه برابری فرصت‌ها زمانی رخ می‌دهد که هم توانایی‌های فردی و هم بسترهای مناسب محیطی فراهم باشد. برابری فرصت‌ها بسته به:

- بسترهای اجتماعی و سیاسی مبتنی بر رقابت

به این معنا عدالت یعنی فرصت‌های برابر و فرصت‌های برابر یعنی:

- همه از قابلیت‌های پایه یعنی سواد، مهارت فردی و سلامتی برخوردار باشند.
- همه بتوانند از امکانات و فرصت‌های اقتصادی و منابع اقتصادی استفاده کنند.
- همه بتوانند مشارکت اجتماعی و سیاسی داشته باشند.
- همه بتوانند از فرصت‌های اجتماعی و امکانات آموزشی و بهداشتی و شغل برخوردار باشند.
- همه بتوانند در مواجهه با بحران‌های اقتصادی و طبیعی موقعیت خود را حفظ کنند.
- همه بتوانند از جریان اطلاعات باخبر باشند و از حقوق خود دفاع کنند.

این بسترهای مناسب همان است که رویکرد قابلیت محور در قالب پنج دسته از آزادی‌ها ترسیم می‌کند یعنی:

۱- آزاد سیاسی ۲- فرصت‌ها و امکانات اقتصادی ۳- فرصت‌های اجتماعی ۴- نظام حمایتی ۵- شفافیت و تضمین آن بنابراین در این رویکرد هر آنچه که آزادی‌های انسانی (قابلیت‌های انسانی) را مخدوش و رشد و بسط آن را با مشکل مواجه می‌کند ناآزادی و محرومیت یا محدودیت تلقی می‌شود. در این رویکرد آزادی عبارت است از:

- آزادی مبادله در بازار
- برخورداری از امکانات و منابع اقتصادی
- برخورداری از فرصت‌های اجتماعی
- برخورداری از آزادی سیاسی و حق تعیین سرنوشت
- برخورداری از امنیت اقتصادی و اجتماعی
- وجود قابلیت‌های فردی و شرایط مناسب محیطی و ناآزادی عبارت است از:
- فقر محرومیت از درآمد
- محرومیت از شغل
- محرومیت از سواد و آموزش و بهداشت
- محرومیت از امکانات و منابع
- محرومیت از امکان احقاق حق و اعتراض و افشاگری
- محرومیت از اطلاعات
- تهدید و بلایای طبیعی و اقتصادی

۵- رویکرد قابلیت انسانی علاوه بر استدلال‌های علمی به استناد مبانی عقیدتی و دینی، اصول قانون اساسی و نیز قوانین برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز قابل دفاع است. قانونی که در صدر آن رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل، محور اصلی در تحکیم بنیادهای اقتصادی است و اقتصاد وسیله‌ای است برای رسیدن به اهداف عالیه و بروز خلاقیت‌های انسان.

۶- به‌راحتی می‌توان دریافت که چنین رویکردی با دخالت کارآمد دولت در حوزه وظایف حاکمیتی و تولید کالاهای عمومی و انجام اقدامات لازم در حوزه حفظ و ایجاد قابلیت‌های انسانی سازگار است و از نظر برنامه‌ریزی مطابق با یک مدل «برنامه‌ریزی هسته‌ای» است که بر مواردی خاص از حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان هسته‌های کلیدی تاکید می‌کند و از نظر «بودجه برنامه» سازگار با «بودجه توسعه‌ای» برای هسته‌های کلیدی است. این هسته‌های کلیدی که به‌طور عمده رشد قابلیت‌های انسانی را هدف گرفته‌اند می‌بایست بودجه‌ای مستقل و دارای اولویت در سیاست بودجه‌ریزی دولت باشند. البته این بدان معنا نیست که سایر بخش‌های اقتصاد و جامعه فراموش شوند بلکه می‌بایست ابتدا بودجه عمومی و نحوه تخصیص منابع به گونه‌ای باشد که نیاز بودجه‌ای این بخش‌ها را تامین کند و سپس مابقی آن به سایر امور اختصاص داده شود.

۷- بنابراین عزت و کرامت انسانی در سایه:

- برابری فرصت‌ها و ارتقای قابلیت‌ها
- مردم قدرتمند، دولت توسعه گراشعار اصلی این دیدگاه است.

۸- برخی راهکارها و سیاست‌های مرتبط در این رویکرد:

الف- هزینه‌های آموزش، مبارزه با سوءتغذیه، بهداشت محیط، رفع بی‌سوادی، حمایت در برابر بلایای طبیعی، حفاظت از محیط زیست، استقرار نظام بیمه‌ای (اجتماعی و بازرگانی)، اصلاح ساختارها و مهندسی مجدد فرآیندها در امور جاری اقتصادی و اجتماعی، شفاف‌سازی دولت، استقرار نظام استاندارد، اصلاح قوانین و مقررات در جهت برابری فرصت‌ها در استفاده از امکانات اقتصادی، برنامه‌های فقرزدایی و کاهش فقر و مانند آن در این رویکرد به‌عنوان هزینه‌های توسعه‌ای محسوب می‌شود. تمام طرح‌ها، برنامه‌های اجرایی و نهادسازی‌های لازم متناسب با تحقق اهداف فوق در بودجه توسعه‌ای اولویت دارند. مابقی بودجه به سایر موارد حسب مورد اختصاص می‌یابد.

ب- طرح‌ها و برنامه‌های اشتغال‌زا مبتنی بر تقویت کارآفرینان و صاحبان صنایع کوچک و متوسط.

ج- کاهش حضور دولت به عنوان مالک و متصدی و افزایش نرخ سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی.

د- استفاده گسترده از ICT و تقویت محیط الکترونیکی که نقش مهمی در کاهش فرآیندها، برابری فرصت‌ها، ارتقای قابلیت‌ها و شفاف‌سازی دارد.

ه- تقویت جایگاه زنان و رفع نابرابری‌های جنسیتی مانند برابری دستمزد زنان و مردان.

و- گسترش نهادهای مدنی و NGOها.

ز- تاکید بر نقش دولت برای پرداختن به اموری که به رشد قابلیت انسانی منجر می‌شود.

ح- تاکید بر الگوهای غیرمتمرکز اداری و تصمیم‌گیری شبیه الگوهای فدرال.

- توزیع بسیاری از امور و اقدامات وزارتخانه به ادارات کل در استان‌ها
- توزیع سرمایه‌گذاری‌ها و استقرار صنایع در سطح کشور مطابق با قابلیت هر استان
- مستقل کردن استانداری‌ها در اداره کلیه امور استان تا حد امکان (زیرا به دلایل قومی و منطقه‌ای و دامنه‌های محدودتر در سطح استان، انگیزه‌ها قوی‌تر و نظارت بر عملکرد مسئولان توسط مردم و فعالان اقتصادی استان قوی‌تر است.)

ط- مهندسی مجدد فرآیندها و اصلاح ساختارهای سازمانی و اداری دولت

ی- تلاش برای برابر کردن توزیع ثروت به عنوان منشاء درآمد پایدار.

ک- ترفیع روش‌های تولید، توزیع و مصرف مبتنی بر اقتصاد دانش محور

ل- اصلاح نظام مالیاتی و افزایش سهم آن در درآمدهای دولت.

م- توسعه همکاری‌های منطقه‌ای.

ن- توانمندسازی فقرا به‌جای حمایت‌های درآمدی از آنها.

س- مهندسی مجدد و کاهش فرآیندهای اداری

ع- ارتقای کارآیی و شفافیت در ساختارهای دولتی.

۹- برخی دیدگاه‌ها و مواضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این رویکرد:

- رویکرد ما به توسعه ملی رویکرد «قابلیت انسانی» است.
- عدالت اجتماعی عبارت است از برابر کردن فرصت‌ها نه فقط درآمدها.
- ارتقای قابلیت‌های انسانی موتور محرکه توسعه است.
- دولت مقتدر، کارآمد و توسعه‌گرا لازمه توسعه است.
- جهانی شدن یک فرصت است که استفاده از آن مستلزم وجود قابلیت‌های انسانی و اجتماعی است.
- استراتژی مناسب برای کاهش فقر به‌صورت همیشگی، رشد قابلیت‌های فردی و شنیدن صدای فقر است.
- عدالت عبارت است از رشد قابلیت افراد.
- آزادی فقط آزادی سیاسی نیست. آزادی رها شدن از محدودیت‌ها و محرومیت‌هاست.
- رویکرد قابلیت پیوند رشدگرایی و عدالت اجتماعی است.
- توسعه عبارت است از محو ناآزادی‌ها، ارتقای قابلیت‌ها و گسترش دامنه انتخاب انسان‌ها.
- نظام حمایتی معطوف به رشد قابلیت‌های پایه و ایمن‌سازی از خطرات طبیعی و غیرطبیعی.
- نظام قضایی سریع و در دسترس و تضمین شفافیت.
- رشد بهره‌وری در گرو رشد قابلیت‌های انسانی و محیطی

*عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

■ خبر کوتاه

بازتاب انتخاب احمدی‌نژاد در روزنامه «الحیات»

پایگاه اینترنتی روزنامه «الحیات» روز یکشنبه نوشت: «محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور جدید ایران مشکلات زیادی همچون مذاکرات هسته‌ای، روابط با آمریکا، بیکاری و فساد اداری فراروی خود دارد.» این گزارش افزود: اقتصاد ایران نیز به‌رغم اینکه سعی می‌کند از صادرات تک‌محصولی رهایی یافته و به خصوصی‌سازی روی آورد، اما همچنان بر درآمد نفت از یک سو و بخش دولتی از سوی دیگر متکی است. الحیات نوشت: متکی بودن اقتصاد ایران به درآمد نفت بی‌شک مشکلات فراوانی برای رئیس جمهور جدید به بار خواهد آورد که یکی از آنها کاهش سریع تولید در میدان‌های قدیمی نفت است. ایران تقریباً یک قرن پیش تولید نفت را آغاز کرده است و میانگین فعلی آن ۸۳میلیون بشکه در روز است و هم‌اکنون بسیاری از میدان‌های بزرگ و مهم نفتی ایران همچون اهواز و گچساران و آغاجاری قدیمی‌اند و برای ادامه تولید باید گاز زیادی به آنها تزریق شود. بدین‌ترتیب میزان تولید سالانه ایران ۲۵۰ هزار بشکه در روز یعنی معادل ۷ تا ۸ درصد از تولید سالانه سوخت کاهش می‌یابد. به نوشته الحیات اختلاف ایران با آمریکا دارای ابعاد متفاوتی است که جلوگیری از ادامه فعالیت شرکت‌های آمریکایی در خاک ایران، ممنوعیت صدور تجهیزات فنی- مهندسی دقیق برای صنعت نفت و اعمال فشار علیه هند و پاکستان به منظور جلوگیری از ورود گاز ایران بخشی از آنها است.

فضای رقابتی سازنده خصوصی‌سازی صنعت بانکداری را در پی دارد

ایلنا: در راستای الحاق به سازمان تجارت جهانی و تحقق اهداف اقتصادی کشور شکل‌گیری خدمات پیشرفته سیستم بانکی کشور امری الزام‌آور خواهد بود. ولی‌الله سیف مدیرعامل بانک ملی گفت: شکل‌گیری بانکداری خصوصی در کشور و حضور بانک‌های خارجی پس از الحاق نهایی به WTO ضمن آن که زمینه رشد صنعت بانکداری را مهیا می‌کند، موجب می‌شود تا نظام بانکی کشور با به‌کارگیری تکنولوژی‌های روز بانکداری دنیا در معرض پیشرفت قرار گیرد. وی حضور بانک‌های خارجی در ایران را مثبت ارزیابی کرد و افزود: چنانچه بانک‌های کشور با آزادی عمل و بدون مقررات دست و پاگیر ادامه فعالیت دهند، در این شرایط حضور بانک‌های خارجی بلامانع است و تا زمانی که محدودیت‌های حاکم بر سیستم بانکداری مرتفع نشود، نظام بانکی کشور محکوم به عقب‌ماندن است. سیف الحاق به WTO را زمینه مناسبی جهت تسریع در حذف محدودیت‌های نظام بانکی دانست و اظهار داشت: قبل از تصویب قانون برنامه سوم توسعه، نظام بانکی به عنوان ابزار تحقق اهداف اقتصادی کشور تلقی می‌شد و سیستم بانکی کشور تنها وظیفه‌اش تحقق اهداف پیش‌بینی شده بخش‌های مختلف اقتصادی کشور بوده است. وی با بیان این که وضعیت نظام بانکی تا قبل از قانون برنامه سوم مورد توجه قرار نگرفت، عنوان کرد: طی سال‌های گذشته شاهد بودیم که در بسیاری از بانک‌های کشور نسبت به کفایت سرمایه که یکی از حداقل شاخص‌های نظام بانکی است، دارای رشد منفی بوده و به هیچ وجه در صحنه بین‌المللی دارای توجیه نبوده و ادامه حیات اینگونه بانک‌ها امری تعجب‌آور تلقی می‌شد ولی جهت‌گیری‌ها در قانون برنامه سوم آغاز و در برنامه چهارم توسعه ادامه می‌یابد و مقوله الحاق به سازمان تجارت جهانی ضمن تسریع اجرای جهت‌گیری‌ها زمینه اصلاحات نظام بانکی را به وجود خواهد آورد. مدیرعامل بانک ملی با اشاره به خصوصی‌سازی بانک‌های کشور بیان کرد: از مقتضیات خصوصی سازی بانک‌ها ایجاد فضای رقابتی سازنده در صنعت بانکداری کشور است که در این راستا تمامی بازیگران از ضوابط و مقررات یکسانی برخوردار هستند، ضمن آن که ایجاد تعادل مناسب میان بانکداری دولتی و خصوصی اجتناب‌ناپذیر است. وی با بیان مطلب فوق ادامه داد: در حال حاضر بانکداری خصوصی با نسبت ۶ درصد قادر نخواهد بود زمینه رقابت لازم را در بازار بانکی به وجود آورد. بنابراین تسریع در افزایش سهم بخش خصوصی در صنعت بانکداری از طریق واگذاری بخشی از بانک‌های دولتی جهت خصوصی سازی بانک‌های کشور امری لازم و ضروری است. سیف برخورداری از نظام پولی توانمند و کارا را در شکوفایی اقتصاد کشور امری اجتناب‌ناپذیر عنوان کرد و افزود: از آنجایی که نیاز به بازار مالی قوی و ساماندهی بازار پول امری اجتناب‌ناپذیر است؛ لذا وجود خدمات بانکی پیش